

واکاوی انتظارات متقابل معلمان، والدین و دانش‌آموزان: گامی به سوی بهبود ارتباطات در مدرسهمینا امیری^۱، امین ایزدپناه^۲

دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۳۰

چکیده

هدف این پژوهش بررسی انتظارات متقابل معلمان، والدین و دانش‌آموزان از یکدیگر به منظور اطلاع از میزان آگاهی هریک از این سه گروه از خواسته‌ها و نیازهای دو طرف دیگر این مراوده است. با توجه به اینکه مدرسه نهاد اصلی آموزش رسمی است اطلاع از انتظارات متقابل گروه‌های ذی‌نفع حاضر در آن می‌تواند به شکل‌گیری روابط سازنده‌تر میان آنها یاری برساند. بدین منظور در پارادایم کیفی و با استفاده از مصاحبه‌های گروهی و فردی نیمه‌ساختاریافته با مشارکت کنندگانی شامل معلمان، والدین و دانش‌آموزان یک دبستان دخترانه ناحیه ۲ شهر شیراز به گردآوری داده‌ها اقدام شد. نمونه‌ها به صورت هدفمند از نوع نمونه در دسترس انتخاب شدند. شیوه تحلیل داده‌ها نیز روش تحلیل مضمونی بوده است. برای اطمینان‌بخشی یافته‌ها نیز از مسیر ممیزی و بازبینی همکاران استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که انتظارات معلمان، والدین و دانش‌آموزان را می‌توان در سه دسته‌ی کلی اخلاقی، آموزشی و عاطفی طبقه‌بندی کرد. تحلیل و مطابقت انتظارات متقابل گروه‌ها نشان می‌دهد هرچه در جهت یافتن نقاط اشتراک بین این سه گروه پیش می‌رویم، میزان اشتراکات کاهش می‌یابد. به گونه‌ای که از مجموع ۹۰ انتظاری که بیان شده، تنها ۷ مورد بین هر سه گروه مشترک است. این امر نشان می‌دهد که معلمان، والدین و دانش‌آموزان آگاهی کافی از افکار و خواسته‌های یکدیگر ندارند و این ناآگاهی موجب فاصله‌ی قابل توجهی بین انتظارات آنها شده است. بر این اساس، به نظر می‌رسد تقویت گفت‌وگو و تعامل بیشتر میان این سه گروه می‌تواند به آگاهی و درک عمیق‌تر آنها نسبت به دیدگاه‌ها، نیازها و انتظارات یکدیگر بینجامد.

کلید واژه‌ها: انتظارات متقابل، روابط مدرسه، معلمان، والدین، دانش‌آموزان، تحلیل مضمون.

^۱. کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش و آموزگار مقطع ابتدایی. شیراز، ایران.

^۲. استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، بخش مبانی تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، نویسنده مسئول، aizadpanah@shirazu.ac.ir

۱- مقدمه

نظام تعلیم و تربیت از ارکان گوناگونی تشکیل شده که مهم ترین آن ها معلم، دانش آموز و والدین است؛ زیرا این سه گروه بیشترین ارتباط را با یکدیگر دارند و به همین دلیل اکثر انتظارات، خواسته ها، ارزش ها و هنجارها بین این سه گروه در تبادل خواهد بود. این موضوع که هر یک از این سه گروه چه انتظاری نسبت به یکدیگر دارند و آیا خودشان نسبت به توقعات گروه مقابل آگاهی و درک کافی را دارند یا خیر، روابط و کیفیت نظام آموزش و پرورش در بستر مدرسه را شکل می دهد.

با ورود کودک به مدرسه، خانواده و نظام تعلیم و تربیت رسمی به یکدیگر پیوند می خورند و از این طریق با تبادل ارزش ها و هنجارهای یکدیگر سبب می شوند تا هر یک نسبت به نقش و وظایف خود یا به بیانی نسبت به انتظارات طرف مقابل اطلاعات کسب کنند و آگاه گردند. در سایه ی این شناخت آموزش و پرورش کودک خواهد توانست مسیر مطلوب خود را طی کند (شمشیری و شاهسني، ۱۴۰۱). خانواده اولین و مهم ترین بستری است که کودک در آن حضور پیدا می کند و رشد می یابد از این رو خانواده این قدرت را دارد که با نگرش و اعمال خود به ذهنیت و احساس کودک نسبت به درس و مدرسه جهت بدهد و او را مشتاق یا بیزار از آن کند (رایت و همکاران، ۱۳۹۶). برای اینکه خانواده بتواند وظیفه ی خود را در این زمینه به درستی انجام دهد؛ مدارس باید آموزش های لازم را به اولیا بدهند و فرصتی فراهم سازند تا اولیا با مدرسه ارتباط برقرار کنند و مشارکتی متقابل داشته باشند. این مشارکت می تواند از طریق جلسات اولیا و مربیان شکل بگیرد تا با ارائه ی نظرات، پیشنهادها و همفکری با یکدیگر؛ در جهت رشد و پیشرفت کودک بهترین تصمیم اتخاذ شود. تربیت کودک زمانی اثربخش خواهد بود که خانه و مدرسه به طور هماهنگ باهم در ارتباط باشند. چنین رابطه ای در صورتی محقق می شود که هر دو طرف نسبت به آن مشتاق باشند، انتظارات خود را برای یکدیگر روشن کنند، هر فرد از وظایف خود آگاه باشد، رفتاری محترمانه داشته باشند و شنونده و نقدپذیر باشند (رضایی، ۱۳۸۷).

فقدان ارتباط عمیق و معنادار بین والدین و معلم و دانش آموزان باعث پیدایش چالش ها، سوء تفاهم ها، بحث ها و مشاجره هایی بین این سه گروه می شود. وجود ارتباطی تعاملی و سازنده میان این سه گروه ذی نفع در فرایند آموزش می تواند باعث شود آنها از انتظارات متقابل یکدیگر مطلع شده و آنها را اصلاح کنند یا در جهت برآورده ساختن انتظارت معقولانه یکدیگر مسئولانه عمل کنند. درک و همسویی انتظارات میان معلمان، والدین و دانش آموزان برای ایجاد یک محیط آموزشی حمایتی ضروری است. ارتباط مؤثر بین والدین و معلمان نقش مهمی در موفقیت تحصیلی دانش آموزان ایفا می کند، زیرا این ارتباط می تواند انگیزه، حضور در مدرسه، نگرش و رفتار دانش آموزان را بهبود بخشد. زمانی که والدین و معلمان به طور منظم اطلاعات را با یکدیگر به اشتراک می گذارند، احتمال اینکه دانش آموزان انگیزه بیشتری برای یادگیری داشته باشند، به طور منظم در مدرسه حضور یابند، نگرش مثبتی نسبت به آموزش داشته باشند و رفتار بهتری از خود نشان دهند، افزایش می یابد.

با توجه به ضرورت یادشده، به نظر می رسد هنوز درک درستی میان سه گروه یادشده از منظر انتظارات متقابل وجود ندارد و این وضعیت موجب تنش و سوء تفاهم میان آنان شده که در ساده ترین حالت موجب اختلال در روند یاددهی-یادگیری مطلوب می شود. تجربه مستقیم یکی از نویسندگان مقاله، به عنوان آموزگار دبستان شاهی بر این ادعا است. مشاهده و تجربه مستقیم اختلال ارتباطی بین معلمان، والدین و دانش آموزان و پیامدهای ناشی از آن، چه از لحاظ حرفه ای و چه اجتماعی-ارتباطی، دست مایه و انگیزه این پژوهش بوده است. در وضعیتی که افراد در محیط یاددهی-یادگیری از انتظارات متقابل یکدیگر آگاهی ندارند، کاهش کیفیت آموزش، ایجاد سوء تفاهم ها، بدبینی ها، رشد انتظارات پاسخ نیافته و گاه نامعقول، به فرهنگ جاری در مدرسه تبدیل می شود و استمرار آن کارکردهای عوامل درگیر در آموزش را دچار فرسودگی و اختلال می کند. بر این اساس، هدف پژوهش پیش رو، واکاوی انتظارات متقابل معلمان، والدین و دانش آموزان و اطلاع از این انتظارات و سپس بررسی اطلاع متقابل هر یک از این سه گروه از انتظارات متقابل شان است. بررسی پژوهش های پیشین بدیع بودن این پژوهش را نشان می دهد چرا که در تحقیقاتی که تا کنون در این زمینه انجام شده صرفاً انتظارات متقابل به صورت دو به دو میان این گروه ها انجام شده است. در این زمینه، توجه به انتظارات دانش آموزان از دو گروه دیگر کمتر مورد بررسی قرار گرفته و به عبارتی صدای دانش آموزان در بیان انتظارات خود در قبال فعالیت های تعلیم و تربیتی تقریباً شنیده نشده است. شناخت این انتظارات و فهم ماهیت

پیوند میان این انتظارات به درک ما از مناسبات مدرسه و تصمیم‌گیری برای بهبود و اصلاح این مناسبات کمک می‌کند. بنابر مساله طرح‌شده و هدف پژوهش، دو پرسش اصلی مقاله عبارتند از: پرسش‌های پژوهش پیش رو عبارتند از: معلمان، والدین و دانش‌آموزان چه انتظاراتی از یکدیگر دارند؟ چه رابطه‌ای میان این انتظارات متقابل معلمان، والدین و دانش‌آموزان دیده می‌شود؟

۲-پیشینه پژوهش

حیدریه زاده و همکاران (۱۴۰۳)، در یک بررسی از طریق مصاحبه با معلمان دریافتند که یکی از عواملی که می‌تواند بر شایستگی هیجانی و اجتماعی معلمان اثر بگذارد، بی‌احترامی والدین به معلمان و انتظارات نامعقولیست که از او دارند. البرزی و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله‌ی خود نشان دادند که شخصیت معلم در مقطع ابتدایی بر روی اخلاقیات دانش‌آموزان تاثیر بسزایی دارد؛ زیرا در این مقطع دانش‌آموزان همواره از کردار اطرافیان‌شان الگو می‌گیرند. البرزی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که نگرش والدین و معلمان به مدرسه، تاثیر مستقیمی بر احساس تعلق دانش‌آموز دارد. به بیان دیگر هر اندازه که دانش‌آموزان انگیزه و تشویق بیشتری از سوی اولیا و معلم خود دریافت می‌کنند، به همان اندازه حس تعلق به مدرسه‌شان هم افزایش می‌یابد. حسنی و حسنی (۱۳۹۹) به این نتیجه رسیدند که مشارکت مدرسه و والدین سبب پیشرفت تحصیلی و عاطفی دانش‌آموزان می‌شود. با این حال خیلی از والدین به دلایل مختلف؛ مثل مسائل کاری، اقتصادی یا نگرش‌های خاص؛ مثل این که تصور می‌کنند نظراتشان مورد توجه مدرسه قرار نمی‌گیرد، از مشارکت با مدرسه و معلم دوری می‌کنند. دهقان و همکاران (۱۳۹۸) به اهمیت همسو بودن ارزش‌ها و هنجارهای خانه و مدرسه در تربیت اجتماعی کودک اشاره کردند. اگر این دو نهاد در تربیت اجتماعی بچه‌ها هماهنگ و هم‌راستا باهم پیش نروند، کودکان دچار سردرگمی و دوگانگی ارزشی می‌شوند و شخصیت یکپارچه‌ای نخواهند داشت. رضایی (۱۳۹۸)، عسکری متین و همکاران (۱۳۹۶) در خصوص شایستگی‌های حرفه‌ای معلم عنوان کردند که این شایستگی‌ها نه تنها باید در شیوه‌های آموزش و روش‌های مدیریت کلاس‌آموزگار دیده شود؛ بلکه در رفتار و کردار او هم باید نمایان باشد. به عقیده‌ی اسدی و همکاران (۱۳۹۷)، صفایی مقدم و همکاران (۱۳۹۵) معلم باید از وضعیت خانوادگی دانش‌آموز مطلع باشد، همدل و همراه و همراز او باشد، به او احساس اعتماد به نفس و خودکارآمدی بدهد، به خوبی به بچه‌ها آموزش بدهد و پاسخگوی سوالات آن‌ها باشد، احترام گذار باشد و در کل مسئولیت‌های آموزشی و پرورشی خود را به درستی انجام دهد. مظاهری و همکاران (۱۳۹۵) عنوان کردند که در کل فرایند تعلیم و تربیت، بین خانواده و مدرسه ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و بدون حضور و مشارکت اولیا، مدارس نمی‌توانند به اهداف خود دست پیدا می‌کنند. ادیب و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود اشاره می‌کنند که از نظر اولیا همکاری با فرزندشان در امور تحصیلی، سبب یادگیری عمیق‌تر، افزایش حس خودکارآمدی و انگیزه‌ی تحصیلی در او می‌شود. با این حال از نظر اولیا این همکاری یکسری مشکلات را هم به همراه دارد؛ مثل کمبود زمان به خاطر مشغله‌های کاری و فشار و نگرانی‌های زیاد.

اکارت و پیرس (۲۰۲۳) با اظهار تاسف بر این که مدارس نقش دانش‌آموزان را در تصمیم‌گیری‌ها کم‌رنگ کرده‌اند و صرفاً معلمان و اولیا در راس این کار قرار داده‌اند؛ عنوان کردند که مدرسه‌ها باید فرصتی فراهم سازند تا معلمان، والدین و دانش‌آموزان در کنار یکدیگر به همکاری و مشارکت بپردازند و صدای هر سه گروه شنیده شود. بدین طریق، با حضور فعال دانش‌آموزان؛ سطح یادگیری و عملکردشان ارتقا و نحوه‌ی برقراری ارتباط اجتماعی و شخصیت‌شان تکامل می‌یابد. زی و درخشان (۲۰۲۱) از اهمیت چگونگی ارتباط میان فردی معلم با دانش‌آموزان صحبت کردند. طبق بررسی آنان؛ اگر آموزگار بتواند با بچه‌ها رابطه‌ای مبنی بر عشق، احترام، اعتماد، مشارکت و گفتگو بسازد، آنگاه فرایند یادگیری هم اثربخش‌تر اتفاق خواهد افتاد. مادوکس و همکاران (۲۰۲۰) دریافتند که هر چقدر مشارکت بین مدرسه و خانواده بیشتر باشد، موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان هم بیشتر خواهد بود. معلم و مدرسه باید با برقراری ارتباط با اولیا از نوع و شرایط زندگی آن‌ها مطلع شوند و متناسب با توانمندی آن‌ها زمینه‌ی مشارکت را برایشان فراهم سازند. جانسون و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله‌ی خود تاثیر انتظارات معلمان بر عملکرد دانش‌آموزان را بررسی کردند و دریافتند که وقتی معلمان انتظارات مشخص و بالاتری داشته باشند، موفقیت‌های بیشتری را برای

دانش آموزان خود رقم می زنند؛ چرا که در چنین حالتی فرصت بیشتری برای فعالیت و گفتگوی بچه ها فراهم می کنند و این گونه نشان می دهند که تا چه میزان تلاش و عمل دانش آموز برایشان اهمیت دارد. فرویلند و همکاران (۲۰۱۹) ارضای نیازهای روانشناختی دانش آموزان؛ مثل حس استقلال و احساس تعلق را یکی از مهم ترین وظایف معلمان معرفی کردند که موجب برقراری یک ارتباط سالم و سازنده بین معلم و بچه ها می شود که در نهایت پیشرفت هر دو طرف را به دنبال خواهد داشت. موری و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که دانش آموزان مدارس که از انجمن اولیا و مربیان برخوردار هستند از نظر تحصیلی عملکرد بالاتر و بهتری دارند. والکوا و لاورنتسوا (۲۰۱۹) نوع رفتار معلمان، همسالان و والدین را از عوامل مهم در ایجاد انگیزه در بچه ها برای ادامه تحصیل دانستند. این که تا چه میزان خانواده ها در امور تحصیلی با کودک خود مشارکت دارند و حامی او هستند، عامل بسیار مهمی در افزایش انگیزه ی تحصیلی بچه ها و یا از طرفی بیزاری آن ها از ادامه تحصیل است. گان و بیلچ (۲۰۱۹) عنوان کردند که اولیا با حمایت های عاطفی، برقراری ارتباط با فرزند خود، نظارت و مشارکت در انجام تکالیف کودک و مشخص کردن انتظارات خود برای او می توانند در امور تحصیلی با فرزندشان مشارکت داشته باشند و بر موفقیت تحصیلی او اثر بگذارند. از طرف دیگر معلمان و مدارس هم باید اولیا را در این خصوص راهنمایی کنند و بر حسب شرایط زندگی شان از آن ها انتظار همکاری داشته باشند.

در پژوهش های مذکور آنچه که به وضوح مورد غفلت قرار گرفته است و تنها توانستیم در پژوهش اکارت و پیرس آن را دریابیم؛ یک بررسی و نگاهی سه سویه و همزمان به وضعیت ارتباطات معلمان و والدین و دانش آموزان با یکدیگر است. این درحالیست که سایر پژوهش ها صرفا به بررسی روابط دوسویه بین این افراد پرداخته اند و ضلع سوم را وارد پژوهش نکرده اند. با توجه به این خلا پژوهشی، در مقاله پیش رو این بررسی سه سویه انتظارات متقابل انجام گرفته است. افزون بر این عمده پژوهش ها به صورت کمی انجام گرفته اند ولی پژوهش حاضر رویکردی کیفی را پیش گرفته است.

۳- روش پژوهش

پارادایم پژوهش کیفی و طرح پژوهش نیز پیدایشی است (لینکولن و گیوبا، ۱۹۸۵، به نقل از میکوت و مورهاوس، ۱۹۹۴: ۶۴ و مورگان، ۲۰۰۸: ۲۴۵). مشارکت کنندگان این پژوهش معلمان، والدین و کودکان یک دبستان دخترانه در ناحیه دو شهر شیراز با تعداد ۶ کلاس و ۲۰۰ دانش آموز است. نمونه گیری به صورت هدفمند و از نوع نمونه دردسترس صورت گرفته است. این نوع انتخاب با توجه به حضور یکی از نویسندگان مقاله، به عنوان آموزگار این مدرسه، در بافت پژوهشی و امکان سکنی گزینی طولانی مدت و درک عمیق تر از فرهنگ ارتباطی میان سه گروه (معلمان-والدین-دانش آموزان) بوده است. شیوه گردآوری داده ها به صورت مصاحبه های گروهی و فردی (حضور و غیرحضور) از نوع نیمه ساختاریافته بوده است. مصاحبه با دانش آموزان به صورت گروهی و حضوری انجام گرفت، از هر پایه نفر به صورت داوطلب در مصاحبه گروهی شرکت کردند. مصاحبه با آموزگاران (۵ نفر بین ۳۹ تا ۵۵ سال سن، همگی دارای مدرک کارشناسی) به صورت کتبی و از طریق دریافت فایل صوتی پاسخ آنها به پرسش ها انجام گرفته است و به صورت حضوری نیز صحت تفسیر پژوهشگر از پاسخ های دریافتی مورد بررسی و تایید قرار گرفت. در خصوص مصاحبه با والدین (۳۰ نفر، همگی زن، و با تحصیلات حداقل دیپلم) تلاش شد تا با اولیای همان دانش آموزانی مصاحبه شود که در جلسات حضوری مورد مصاحبه قرار گرفته بودند. مصاحبه با تعدادی از اولیا به صورت حضوری انجام گرفت و با تعدادی دیگر به صورت کتبی و از طریق دریافت فایل صوتی. گردآوری داده ها در خصوص هر سه گروه مصاحبه شونده تا زمان اشباع نظری ادامه یافت. روش داده کاوی تحلیل محتوا از نوع تحلیل مضمون بوده است و رویکرد داده کاوی نیز توصیفی است. برای اعتمادسازی پژوهش نیز، از مسیر ممیزی (میکوت و مورهاوس، ۱۹۹۴) و بازبینی همکاران (لینکولن و گیوبا، ۱۹۸۵، به نقل از میکوت و مورهاوس، ۱۹۹۴) استفاده شده است.

۴- یافته ها

بررسی و کدگذاری مصاحبه های انجام شده با معلمان، والدین و دانش آموزان ما را به این نتیجه رساند که می توانیم انتظارات این سه گروه از یکدیگر را در قالب سه مضمون اصلی دسته بندی کنیم، شامل: انتظارات اخلاقی، آموزشی و عاطفی هستند. این انتظارات به صورت متقابل بین هر یک از گروه ها به صورت دوبرو و در نهایت به صورت اطلاع هریک از گروه ها از انتظار متقابل دو گروه دیگر تشریح شده اند.

۴-۱- انتظارات دانش آموزان از معلمان

در بخش انتظارات دانش آموزان از معلمان، با بررسی مصاحبه ها ما در مجموع ۱۴۵ کد باز و ۱۲ مضمون پایه به دست آمد. این مضامین در سه مقوله ی اخلاقی، آموزشی و عاطفی طبقه بندی شدند. با توجه به حجم زید کدهای باز، در جدولهای مقاله برخی از کدها آمده است.^۱

انتظارات اخلاقی

دانش آموزان عنوان کردند که توقع دارند معلم سرکلاس داد نزنند و در هنگام عصبانیت، خونسردی خود را حفظ کند و دانش آموز خاطی را ببخشد. به گفته ی آن ها، آموزگاران تا حدودی این موارد را رعایت می کنند.

انتظارات آموزشی

دانش آموزان بیشتر ترجیح می دادند که یک معلم تسهیلگر داشته باشند؛ معلمی که درس ها را برای آن ها چندین مرتبه و با روش های مختلف توضیح بدهد، در زمان امتحان تکالیف را کم کند تا دانش آموزان فرصت بیشتری برای درس خواندن داشته باشند، سر جلسه ی امتحان اگر سوالی را متوجه نشوند به آن ها راهنمایی کند و تکالیف منزل نه آنقدر زیاد بدهد که خسته کننده باشد و نه آنقدر کم که سبب تنبلی در آن ها شود. پس از آن دانش آموزان انتظار داشتند که اگر در امتحان نمره ی خوبی نگرفتند، معلم به جای سرزنش بچه ها، به آن ها فرصت دوباره دهد، مشوقشان باشد و درس را بیشتر با آن ها کار کند. و در نهایت دانش آموزان تاکی داشتند که معلم در مقابل اشتباه ها و خطاهایی که از آن ها سر می زند جریمه های نوشتاری به آن ها ندهد؛ یعنی آن ها را مجبور نکند که از روی درسی چند مرتبه بنویسند. با توجه به صحبت های بچه ها؛ آموزگاران دو انتظار اول را به شکل قابل توجهی رعایت می کنند؛ ولی در خصوص سومین انتظار متأسفانه بعضی از آموزگاران به آن توجهی ندارند.

انتظارات عاطفی

مهربان بودن پررنگ ترین انتظاری بود که بچه ها در حیطه ی عاطفی از آموزگار خود داشتند. آن ها معلم خود را مهربان خطاب می کردند و در توصیف این مهربانی مطالب متفاوتی را عنوان می کردند. بعضی ها می گفتند که چون معلمشان به تفریح، استراحت و فرصت دادن برای بازی، اهمیت می دهد مهربان است. برخی دیگر از بچه ها می گفتند که چون معلمشان به احساسات، نیازها و حال و احوالشان توجه می کند مهربان است. دانش آموزان عنوان کردند که آموزگارشان این انتظارات را برآورده می کند. اما در خصوص تبعیض قائل نشدن که از دیگر انتظارات بچه ها از آموزگار خود بود به نظر می رسید که گاهی برخی از معلمان آن را رعایت نمی کنند. لازم به ذکر است که انتظارات بچه ها در هر سه حیطه معقول و قابل قبول به نظر می رسد.

جدول ۱. انتظارات دانش آموزان از معلمان

انتظارات دانش آموزان از معلم	مضمون فراگیر	مضمون پایه	نمونه هایی از کدهای باز
	اخلاقی	پرهیز از پرخاش کلامی	دادن نزدن دعوا نکردن و...
		انعطاف پذیری	آب خوردن در کلاس پذیرفتن پیشنهادها و خودرای نبودن و...
		حفظ خونسردی و بخشش	بیرون نکردن دانش آموز از کلاس بابت خطایی که مرتکب شده و..
	آموزشی	پیگیری و تسهیلگری	پیگیری نسبت به یادگیری بچه ها توضیح دوباره ی درس در صورت نیاز سختگیر نبودن در زمان امتحان و...
		زمانبندی مناسب	داشتن فرصت کافی برای انجام تمرینات خود در کلاس

^۱. همگی کدهای باز و سایر جزئیات پژوهش در اصل پایان نامه برای علاقمند قابل دسترسی است.

حذف جرمه های نوشتاری به عنوان تنبیه	پرهیز از جرمه		
سرزنش نشدن در برابر نمرات پایین خود در امتحانات تشویق شدن برای موفقیت در آزمون بعدی داشتن فرصت جبران نمره در امتحان های بعدی چشم پوشی از نمرات بد در صورت جبران آن	فرصت دوباره در امتحانات		
اختصاص ندادن زنگ هنر به درسی دیگر آموزش هنرهای متنوع توسط معلم	توجه کافی به زنگ هنر		
به کارگیری تمام دانش آموزان در هنگام تدریس ...	ایجاد فرصت برای مشارکت دانش آموزان		
داشتن فرصت برای تفریح، استراحت و بازی در مدرسه توجه به احساسات، نیازها و حال و احوالشان پرهیز از منفی دادن، جرمه های نوشتاری و بیرون کردن دانش آموز و...	مهربان بودن	عاطفی	
برقراری عدالت همه را مثل دختر خود دانستن و...	پرهیز از تبعیض		
پیدا کردن مقصر اصلی شلوغی کلاس	پرهیز از قضاوت زود هنگام		

۴-۲- انتظارات معلمان از دانش آموزان

در بخش انتظارات معلمان و از دانش آموزان، با بررسی مصاحبه ها در مجموع به ۱۰۳ کد باز و ۹ مضمون پایه به دست آمد. این مضامین در سه مقوله ی اخلاقی، آموزشی و عاطفی طبقه بندی شدند.

انتظارات اخلاقی

بیشترین انتظاری که معلمان از بچه ها داشتند این بود که ادب، نظم و اخلاق را رعایت کنند. به بیانی دیگر رفتار و گفتارشان نه تنها با معلم؛ بلکه با دوستانشان هم صحیح باشد و همچنین چه به حرف های معلم گوش بدهند و توجه کنند. از دیگر مواردی که آموزگاران به شکل ویژه ای به آن اشاره کردند این بود که ترجیح می دادند بچه ها حریم خصوصی کلاس را رعایت کنند و سیر تا پیاز آنچه را که در کلاس رخ می دهد برای اولیا تعریف نکنند؛ زیرا در غیر این صورت احتمال این که بچه ها ناخواسته موضوعی را به اشتباه تعریف کنند و یا اتفاقی ناچیز و بی اهمیت در نظر اولیا بسیار بد و ناگوار به نظر برسد بالا می رود و این گونه بین معلم و اولیا چالش ها و بحث های زیادی ایجاد می شود. طبق گفته ی آموزگاران بچه ها بیشتر انتظارات آن ها را تا حد بالایی برآورده می کنند؛ اما در خصوص حفظ حریم کلاس نیاز است تا کمی بیشتر نسبت به آن توجه نشان دهند. لازم به ذکر است که این انتظار معلم از بچه ها صحیح و منطقی نیست؛ زیرا مدرسه یک مکان عمومی هست و دانش آموز می تواند هر آنچه می خواهد را برای پدر و مادرش تعریف کند. اگر رابطه ی معلمان با اولیا بر حسب اعتماد، احترام و گفت و شنود باشد؛ آنگاه دیگر نه معلمان و نه والدین نگران اتفاقات مدرسه نخواهند بود؛ چرا که به تصمیمات یکدیگر اعتماد خواهند داشت و چالشی به وجود نخواهد آمد.

انتظارات آموزشی

بیشترین انتظاری که آموزگاران از شاگردان خود داشتند پیگیر بودن نسبت به تحصیلات خود بود. این وظیفه ی دانش آموزان است که مسئولیت پذیر باشند و در حد توانایی خود درس بخوانند؛ حتی اگر در درسی ضعف داشتند و استعداد آن را نداشتند باز هم با اعتماد به نفس بالا برایش بکوشند، تکالیفشان را انجام دهند و به فکر امتحاناتشان باشند. به نظر می رسید دانش آموزان تا حدودی مطابق این انتظار عمل می کردند. این انتظارات در صورتی که با توجه به توانایی و استعداد دانش آموز باشد و نه فراتر از آن، معقول و منطقی خواهند بود.

انتظارات عاطفی

در بین این سه مولفه ما به برتری و ارجحیت خاصی در بین آن ها دست پیدا نکردیم؛ فقط به نظر می رسید که انتظار از دانش آموز بر داشتن آمادگی روحی برای حضور در کلاس، بیش از اینکه به خود دانش آموز برگردد به محیط کلاس و شخص معلم وابسته است که البته خوشبختانه آموزگاران به این موضوع واقف بودند و عنوان کردند که توقع دارند همانطور که خودشان می کوشند تا یک جو مطلوب را برای بچه ها رقم بزنند؛ در مقابل از دانش آموزان می خواهند که با آن ها در این زمینه همکاری کنند. این انتظار در صورتی منطقی خواهد بود که معلم هم واقعا در جهت ایجاد یک محیط امن و سالم در کلاس بکوشد و نه این که خودش عامل یک جو سمی در کلاس باشد.

جدول ۲. انتظارات معلمان از دانش آموزان

مضمون فراگیر	مضمون پایه	نمونه هایی از کدهای باز
اخلاقی	اخلاق مداری و رعایت قوانین	حفظ اخلاق پسندیده و رعایت انضباط و قوانین کلاس گوش دادن به صحبت های معلم در هنگام تدریس و داشتن تمرکز روی درس
	مشارکت در کلاس	استفاده ی حداکثری از فرصت هایی که آموزگار در جهت فعالیت و مشارکت دانش آموز تعیین می کند
	حفظ حریم شخصی کلاس	تعریف نکردن مسائل جزئی و پیش پا افتاده برای اولیا حساس نبودن در برابر اتفاقات کم اهمیت
	اطلاع رسانی موارد مهم به والدین	پرهیز از پنهان کاری و اطلاع رسانی صادقانه ی موارد مهم به والدین خود
آموزشی	توجه به تدریس و مشارکت	متمرکز بودن در هنگام تدریس معلم و مشارکت و فعالیت در فرایند یاددهی-یادگیری
	پیگیری و کوشش تحصیلی	کوشا، پرتلاش و پیگیر درس و تحصیل خود بودن انتظار تلاش برای کسب موفقیت در درس ها در حد توانایی خود انجام به موقع، دقیق، منظم و مرتب تکالیف و فعالیت های عملی داخل و خارج از مدرسه مسئولیت پذیری دانش آموز در برابر امتحانات، تمرین و تکرار و خواندن به موقع درس ها و...
عاطفی	کسب آمادگی روحی برای حضور در کلاس	در مقابل ایجاد محیط امن روانی برای بچه ها در کلاس انتظار ارتقا و بهبود عملکرد آن ها درس خواندن با اعتماد به نفس بالا و دوری کردن از موقعیت ها، احساسات و تفکرات اضطراب زا
	برقرار ارتباط سازنده و مهرآمیز	برقراری ارتباط محترمانه، محبت آمیز و شایسته با معلم و همکلاسی های خود
	قدرشناسی	دریافت احساس محبت، عشق و قدردانی از دانش آموزان

۴-۳- انتظارات دانش آموزان از والدین

در بخش انتظارات دانش آموزان از والدین، با بررسی مصاحبه ها در مجموع به ۹۷ کد باز و ۹ مضمون پایه به دست آمد. این مضامین در سه مقوله ی اخلاقی، آموزشی و عاطفی طبقه بندی شدند.

انتظارات اخلاقی

دانش آموزان بیشتر انتظار داشتند که والدینشان در برابر کارهای اشتباهی که در مدرسه انجام می دهند، تنبلی و سستی که گاهی برای درس خواندن به سراغشان می آید و علی الخصوص برای نمره ی خوبی که در امتحاناتشان نمی گیرند کتک نخورند. این انتظار کاملاً به جا و منطقی است؛ چرا که تنبیه بدنی تحت هر شرایطی غلط است و آسیب جسمی و روحی را به همراه دارد. عده ای از دانش آموزان بیان کردند که هیچوقت چنین رفتاری از والدینشان سر نمی زند و در مقابل گروهی خلاف آن را عنوان کردند.

انتظارات آموزشی

دو انتظاری که بیشتر از سایر انتظارات پر رنگ بود و به چشم می آمد یکی این بود که دانش آموزان خواهان آن بودند که والدینشان در منزل برای تمرین و تکرار درس ها برای آن ها وقت بگذارند و اگر هم در فهم درسی دچار مشکل شدند برایشان توضیح بدهند. دومین مورد این بود که دانش آموزان دوست داشتند پدر و مادر آن ها به علایق، رشته و شغلی که در آینده قصد انتخاب آن را دارند احترام بگذارند و از آن حمایت کنند. به بیانی دیگر می خواستند که به آن ها حق انتخاب بدهند و خودخواهانه به جای آن ها تصمیم نگیرند. هر دوی این انتظارات تا حدودی هم منطقی هستند و هم منطقی نیستند. از این نظر منطقی هستند که بچه ها در تحصیلات خود نیاز به کمک و پشتیبانی دارند و همچنین حق دارند که برای آینده شغلیشان خودشان تصمیم بگیرند. در مقابل از این نظر تا حدودی معقول به نظر نمی رسند؛ چون والدین نمی توانند تمام زمان خود را برای تمرین و تکرار درس ها با آن ها بپردازند و در خصوص انتخاب رشته و شغل آینده هم ممکن است دانش آموزی واقعا انتخاب درستی نداشته باشد و نیاز به هدایت و راهنمایی از جانب یک بزرگتر را داشته باشد. در هر حال بعضی از دانش آموزان بیان کردند که اولیاشان این انتظارات را برآورده کرده اند و برخی دیگر خیر.

انتظارات عاطفی

مهربان بودن بیشترین و کلی ترین انتظاری بود که بچه ها از والدین خود داشتند. آن ها مصادیقی برای این انتظار خود عنوان کردند؛ مثلاً احترام گذاشتن به آن ها، درک احساسات و خواسته هایشان، دادن فرصت کافی برای استراحت و بازی در منزل و مشوق و انگیزه بخش بودن در درس و تحصیلات بچه ها. این انتظارات معقول و منطقی بودند و به گفته ی بیشتر دانش آموزان، والدین این موارد را رعایت می کردند.

جدول شماره ۳. انتظارات دانش آموزان از والدین

مضمون فراگیر	مضمون پایه	نمونه هایی از کدهای باز
اخلاقی	پرهیز از تنبیه بدنی	کتک نخوردن برای انجام ندادن تکالیف
	توجه به خواسته ها و نظرات	جویا شدن نظرات کودکان در مسائل مختلف و...
آموزشی	راهنمایی در یادگیری دروس	مرور درس ها پاسخ به سوالات توضیح دادن درسی که کودک در فهم آن مشکل دارد و...
	حمایتگری در امتحانات	درس پرسیدن تمرین و تکرار درس ها داشتن فرصتی برای کنفرانس دادن درس ها در مقابل والدین و...
	پشتیبانی از علایق و استعدادها	دنبال کردن رشته ی مورد علاقه شان در مقاطع بعدی دنبال کردن شغل مورد علاقه شان در آینده
	پرهیز از تفکرات کمالگرایانه	دعوا و سرزنش نکردن در برابر نمرات پایین انگیزه دادن برای موفقیت در درس ها اهمیت دادن به تلاش کودک و نه نمره های او
	کسب استقلال	داشتن فرصتی برای برنامه ریزی کردن مستقلانه

تبعیض قائل نشدن و مقایسه نکردن فرزندان	پرهیز از تبعیض	عاطفی	
توجه به زمان استراحت و اوقات فراغت درک و رسیدگی به احساسات و حالات روحی آن ها و...	مهربان بودن		

۴-۴- انتظارات والدین از دانش آموزان

در بخش انتظارات والدین از دانش آموزان، با بررسی مصاحبه ها ما در مجموع به ۱۰۵ کد باز و ۱۵ مضمون پایه دست یافتیم. این مضامین در سه مقوله ی اخلاقی، آموزشی و عاطفی طبقه بندی شدند.

انتظارات اخلاقی

مسئولیت پذیری مهم ترین انتظاری بود که از گفته های والدین به آن رسیدیم. آن ها ترجیح می دادند که فرزندشان در انجام کارهای مدرسه خیلی به پدر و مادر متکی نباشند و لازم نباشد که مدام به کودک برای درس خواندن و انجام تکالیفش گوشزد کنند؛ بلکه می خواستند کودک خودجوش و مستقل وظایف خود را انجام دهد. پس از مسئولیت پذیری به انتظار بر پرورش صفات پسندیده می رسیدیم که بیشترین خواهان را داشت. هر چند که صفات پسندیده مصادیق بسیار زیادی دارد؛ با این حال اولیا صرفاً به چند مورد آن اشاره کردند؛ مثل سرسخت بودن، مودب و منظم بودن، صبور بودن و رعایت بهداشت. به نظر می رسید که بعضی بچه ها مطابق این انتظارات عمل می کردند. لازم به ذکر است که نه تنها در خصوص این دو مورد؛ بلکه در ارتباط با سایر انتظارات اخلاقی هم، به غیر از یک یا دو نفر از اولیا، مابقی به این موضوع اشاره نکردند که تحقق این موارد تا حد زیادی به خود آن ها و شیوه ی تربیتی که پیش گرفته اند بر می گردد؛ پس اگر این شیوه غلط باشد نباید انتظاری از فرزند خود داشته باشند. بنابراین می توان گفت که انتظارات اولیا در این حیطه نسبت به عملکرد خودشان در تربیت کودک می تواند هم معقول و هم نامعقول باشد.

انتظارات آموزشی

والدین بیش از هر چیز می خواستند که فرزندشان پیگیر درس و تحصیلاتش باشد؛ یعنی درش را به موقع بخواند، تکالیفش را مرتب و به موقع انجام دهد، تمرین و تکرار کند، حواسش سر کلاس جمع باشد و حتی اگر در درسی هم استعداد ندارد در حد توان خود برای آن بکوشد. در ادامه به یک انتظار غیرمنطقی و نادرست می رسیدیم که برخی از اولیا آن را مطرح کردند و آن توقع بر داشتن عملکرد و نمره ی عالی در تمامی درس ها بود. این دسته از اولیا متأسفانه درک نکرده بودند که هر انسانی در چیزی استعداد دارد و در چیزی ضعیف است و نمی توان انتظار داشت که در همه چیز خوب باشد. در نهایت به نظر می رسید که همه ی اولیا دوست داشتند که عملکرد تحصیلی فرزندشان با انتظارات آن ها مطابقت داشته باشد؛ حال در این میان یکسری ممکن است دلایل موجهی داشته باشند و یکسری دلایل غیرموجه. بعضی ها ممکن است با فشار و اجبار فرزندشان را در مسیری که می خواهند هل دهند که غیر منطقی است و بعضی دیگر با درک توانایی، علاقه و خواسته های فرزندشان صرفاً به راهنمایی و هدایت او پردازند و خودخواهانه چیزی را به کودک تحمیل نکنند و به او فشار نیاورند. به نظر می رسید عملکرد بیشتر بچه ها مطابق با انتظارات والدینشان است.

انتظارات عاطفی

در این قسمت بیشترین بحث بر روی دو انتظاری بود که اختلاف نظر اولیا را به همراه داشت و سبب شده بود آن ها به دو گروه تقسیم شوند. یک گروه انتظار داشتند که فرزندشان به دنبال علاقه اش برود؛ چرا که معتقد بودند علاقه سبب شکوفایی استعداد می شود. در مقابل یک نفر از والدین انتظار داشت که فرزندش دنباله رو استعدادش باشد؛ زیرا احتمال می داد که علاقه ی کودکش زودگذر باشد و همچنین معتقد بود که شکوفایی استعداد، علاقه را به دنبال خواهد داشت. من با گروه اول موافق هستم؛ چون ممکن است کسی در چیزی استعداد داشته باشد ولی به آن علاقه نداشته باشد. اگر علاقه نباشد احتمال کمی وجود خواهد داشت که پیشرفتی حاصل شود و حتی اگر فرد به پیشرفتی هم برسد، همواره حسرت آن چیزی که بدان علاقه داشته و نتوانسته آن را دنبال کند را خواهد خورد. به بیانی دیگر این علاقه هست که شوق و اشتیاق حرکت و یادگیری را در فرد روشن

می کند و در پس آن استعداد خودش را نشان می دهد. علاقه، به فردانرژی و انگیزه ی پشتکار می دهد و اینگونه او با تلاش هایش می تواند به آنچه که دوست دارد دست پیدا کند؛ حتی اگر استعداد شگرفی در آن نداشته باشد.

جدول ۴. انتظارات والدین از دانش آموزان

انتظارات والدین از دانش آموزان	مضمون فراگیر		مضمون پایه	نمونه هایی از کدهای باز
	اخلاقی		حرف شنوی از والدین	گوش دادن به حرف والدین در کارهای مدرسه پذیرفتن کمک والدین
آموزش	پگیری تحصیلات		مسئولیت پذیری و کسب استقلال	خودجوش بودن عدم نیاز به تذکر برای انجام فعالیت های درسی و...
			مدیریت روابط اجتماعی	داشتن توانایی دفاع از خود تحت شرایطی که حق با آن ها است. احترام گذاشتن به دیگران توانمندی در دوستیابی
			تشخیص خوب و بد از یکدیگر	دوری از دوستان نامناسب قدرت تصمیم گیری صحیح
			همدلی با پدر و مادر	درک مشغله ها و دغدغه های والدین
			پرورش ویژگی های پسندیده	سرسخت بودن مودب بودن رعایت بهداشت فردی صبور بودن و...
			کسب عملکرد عالی در تمامی درس ها	اهل مطالعه بودن درس خواندن و کوشیدن در حد توان خود انجام به موقع تکالیف مسائل فراتر از کتاب را یاد گرفتن گوش دادن به معلم و..
	مشارکت فعال در مدرسه		تطبیق عملکرد تحصیلی با انتظارات والدین	بهترین بودن از هر لحاظ در کلاس کامل بودن تمامی نمرات در کارنامه
			همکاری با معلم	برآورده کردن توقعات والدین در زمینه ی تحصیلی
			انجام کارهای گروهی	مشارکت فعال در مدرسه
	عاطفی		کسب اعتماد به نفس و عزت نفس	ارجحیت سلامت روان کودک نسبت به نمرات او
			علاقه مندی به درس، مدرسه و معلم	معلم دانش آموز را نسبت به خود و مدرسه علاقه مند سازد. اصلاح حجم کتاب ها اصلاح برنامه ی درسی
			پیروی از علایق	علاقه به چیزی سبب شکوفایی استعداد در آن زمینه می شود. وجود علاقه، حصول پیشرفت را آسان تر می کند.
			پیروی از استعدادها	گذرا بودن علایق شکوفا شدن استعداد، علاقه مندی فرد را به دنبال دارد.
			حفظ تعادل بین خلاقیت و چهارچوب پذیری	پرورش خلاقیت های خود توجه به چهارچوب ارائه شده توسط کتاب

۴-۵- انتظارات والدین از معلمان

در بخش انتظارات والدین از معلمان، با بررسی مصاحبه ها در مجموع ۲۰۲ کد باز و ۲۶ مضمون پایه به دست آمد. این مضامین در سه مقوله ی اخلاقی، آموزشی و عاطفی طبقه بندی شدند.

انتظارات اخلاقی

از بین این ۹ مولفه، اولیا بر روی سه مورد از آن تاکید بیشتری داشتند. اول توقع داشتند که معلم به تربیت بچه ها بسیار اهمیت بدهد و برای آن برنامه داشته باشد. آن ها تربیت را مهم تر از آموزش می دانستند و ترجیح می دادند که معلم مسائلی مثل مهارت

های زندگی، انسانیت، تفاوت ها فردی، مستقل کار کردن و چند مورد دیگر را به فرزندشان آموزش بدهد. دوم توقع داشتند که آموزگار به اخلاق و رفتار خودش هم توجه کند و صفات پسندیده ای مثل؛ خوش برخورد بودن، صادق بودن، صبور و احترام گذار بودن با دانش آموز و اولیا را در خود پرورش دهد. به گفته ی اولیا، معلمان تا حد زیادی این دو انتظار را برآورده کرده اند. و اما سومین انتظار این بود که معلمان یک ارتباط سازنده با والدین داشته باشند؛ یعنی از وضعیت فرزندشان به آن ها بازخورد بدهند، شرایط زندگی، نگرانی و دغدغه های آن ها را درک کنند و با آن ها مهربان باشند، به صحبت ها و دغدغه های آن ها گوش دهند و پاسخگو باشند، برایشان وقت بگذارند و پذیرای نظرات و پیشنهادها ی آن ها باشند. با توجه به صحبت های اولیا دریافتیم که برخی از معلمان تمایلی به برقراری چنین ارتباط نزدیکی ندارند. به عقیده ی من همین مورد می تواند از بزرگ ترین دلایل ایجاد چالش و سوء تفاهم های مداوم بین اولیا و معلمان باشد. به عقیده ی من علت این که معمولاً معلم ها علاقه ای به برقراری ارتباط با اولیا ندارند، دخالت های نابجای برخی از والدین است. با این حال معلمان نباید این مورد را به همه تعمیم دهند و ارتباطشان را با همه قطع کنند؛ بلکه شایسته است از همان ابتدا چهارچوب ها و ارزش های خود را برای اولیا مشخص کنند، خواسته ها و پیشنهادها ی اولیا را هم بشنوند و در نهایت به تفاهم و توافق برسند و یک رابطه ی مبتنی بر احترام و اعتماد را به کمک یکدیگر بسازند. انتظارات اولیا در حیطه ی اخلاقی معقول و منطقی است؛ البته به شرطی که در برقراری ارتباط با معلم و ارائه ی نظرات خود حد و مرزها را حفظ کنند و مراقب باشند که مشارکشان به دخالت در کارهای معلم تبدیل نشود.

انتظارات آموزشی

انتظاری که به ترتیب بیشترین اهمیت را از نظر اولیا داشتند اول این بود که آن ها خواهان یک تدریس با کیفیت را بودند؛ تدریسی که در آن معلم از روش های تدریس جدید استفاده کند، مشارکت دانش آموز را بخواهد و پیگیر و پاسخگوی نیازها و سوالات او باشد. دوم؛ به آموزش مباحث دینی و مذهبی توجه کافی داشته باشد؛ یعنی نه آنقدر کم که دانش آموز نسبت به آن بی اعتنا شود و نه آنقدر زیاد که سبب دلزدگی و آشفتگی او شود. سوم؛ آموزگار در کنار آموزش موضوعات علمی، آموزش مهارت های زندگی را هم در برنامه ی خود بگنجانند. چهارم؛ آموزگار در ارزیابی کردن و امتحان گرفتن از بچه ها منظم باشد، به گونه ای که با توجه به اهمیت و حجم هر درس، زمان آزمون خود را تعیین کند و مانع از انباشته شدن درس ها بر روی هم دیگر بشود.

در ادامه ما به یک انتظار نسبتاً نامعقول برخورد کردیم. اولیا توقع داشتند که فرزندشان صفر تا صد درس ها را در مدرسه بیاموزد. اینگونه دیگر لازم نیست والدین در منزل درگیر درس خواندن و تمرین و تکرار کودک باشند؛ مگر به مقدار کم و در حد راهنمایی. آن ها عنوان کردند که مشغله های زندگی فرصت آن ها را می گیرد و بنابراین ترجیح می دهند تا آنجا که ممکن است دانش آموز همه چیز را از معلم دریافت کند و از طرفی هم خودش با احساس مسئولیت پذیری درس هایش را بخواند و تکالیفش را انجام دهد. آن ها توقع داشتند که معلم با بازخوردها و تشویق های خود، دانش آموز را مسئولیت پذیر بار بیاورد. این انتظار که دانش آموز صد در صد یادگیری را در مدرسه داشته باشد و همکاری اولیا در منزل خیلی کم باشد و آن ها را درگیر نکند غیر منطقیست و از دیگر مواردیست که چالش ها و بحث های بزرگی را بین خانواده و معلم ایجاد می کند؛ زیرا همواره نیمی از یادگیری در مدرسه خواهد بود و نیمی دیگر خواه ناخواه در منزل؛ چون اولیا بچه ها بیشتر زمان خود را در خانه به سر می برند و بنابراین تمرین، تکرار و مرور درس ها و انجام بیشتر تکالیفشان در منزل اتفاق می افتد و ثانیاً حتی اگر معلم مطلبی را در مرتبه توضیح دهد ولی توسط دانش آموز تمرین و مرور نشود یادگیری اثربخش اتفاق نخواهد افتاد. به علاوه چون بچه ها در مقطع ابتدایی هستند بالاخره به کمک فردی بزرگتر از خود نیاز دارند؛ حال این فرد در مدرسه معلم خواهد بود و در منزل پدر و مادر. لازم به ذکر است که این نیاز با بزرگتر شدن کودک و مستقل شدن او کمتر خواهد شد. البته اولیا در ادامه اضافه کردند که انتظار دارند آموزگار دغدغه های زندگی اولیا، فرصت آن ها و میزان توانایی دانش آموز را در نظر بگیرد و به همان اندازه انتظارات خود را تعیین کنند؛ مثلاً به اندازه ی توان و حوصله ی شاگرد تکلیف بگوید که این انتظار معقول است. به بیان دیگر

معلم نباید در سپردن مسئولیت های آموزشی به کودک و والدین زیاده روی کند؛ بلکه باید بین وظایف خانه و مدرسه تعادل را برقرار سازد.

انتظارات عاطفی

تنها انتظاری که اولیا در این حیطه از معلم داشتند و بسیار بر آن تاکید می ورزیدند؛ مهربان بودن با دانش آموز بود. آن ها دوست داشتند که معلم؛ احساسات فرزندشان را درک کند، خوش اخلاق باشد، ارتباطی صمیمی و دوستانه با شاگردانش برقرار کند، به تفریحات و اوقات فراغت درون مدرسه ای دانش آموز اهمیت بدهد و برای آن برنامه داشته باشد، به او انگیزه بدهد و مشوقش باشد و تلاش کند تا استعدادهای دانش آموز را بشناسد و در جهت پیشرفت او در این خصوص گام بردارد. به عقیده ی اولیا چنین معلمی مهربان است و با چنین کرداری می تواند کودک را به خود، درس و مدرسه علاه مند سازد. از گفته های آن ها چنین به نظر می رسد که معلمان به طور نسبی این انتظار که معقول است را برآورده می کنند.

جدول ۵. انتظارات والدین از معلمان

مضمون فراگیر	مضمون پایه	نمونه هایی از کدهای باز
اخلاقی	پرهیز از تبعیض	فرق نگذاشتن بین دانش آموزان و اولیای رده بالا با سایرین
	پرهیز از قضاوت زودهنگام	بررسی دقیق مسائل دانش آموزان و یافتن مقصر اصلی و رسیدگی به او
	دغدغه مندی در برابر پیشرفت همه جانبه ی دانش آموز	داشتن دغدغه ی پیشرفت دانش آموزان توجه به وضعیت خانواده دانش آموز برنامه ریزی برای تفریحات درون مدرسه ای کودک و...
	پرهیز از دخالت اعتقادات و باورهای شخصی در آموزش و پرورش دانش آموزان	توجه کافی به درس قرآن و هدیه های آسمان تدریس بر اساس مطالب کتاب نه میل، باور و سلیقه ی شخصی و...
	برقراری ارتباط سازنده با والدین	پاسخگویی به سوالات دادن بازخورد در خصوص وضعیت دانش آموز رفع نگرانی های تحصیلی آن ها صبور و با حوصله بودن گوش دادن به صحبت ها و دغدغه ها و...
	فعال بودن آموزگار	پرجنب و جوش بودن
آموزشی	آموزش مدرسه محور	یادگیری صفر تا صد در مدرسه رسیدگی به آموزش کودک در منزل صرفا در حد راهنمایی او درگیر نشدن والدین در مسائل درسی و...
	بیان توقعات منطقی	تعیین تکالیف و فعالیت های منزل در حد توان دانش آموز و فرصت اولیا مطابقت دادن انتظارات خود با مشغله های والدین و فشار وارد نکردن به آن ها
	تمرکز بر تدریس کتاب های مهم تر	توجه بیشتر به درس ریاضی و فارسی توجه بیشتر به دروسی که بچه ها نیاز به تقویت شدن در آن دارند
	تدریس باکیفیت	به کارگیری روش های تدریس جدید مشارکت دانش آموز در حین تدریس توجه کافی به آموزش مباحث دینی و مذهبی پاسخگویی به نیازها و سوالات کودک و...
	توجه به اندازه بر تدریس تمامی کتاب ها	توجه کافی به درس قرآن، هدیه های آسمان و علوم تقسیم نشدن کتاب ها به دو دسته ی اصلی (ریاضی و فارسی) و فرعی (سایر کتاب ها)
	آموزش مباحث دینی به دور از افراط و تفریط	توجه به آموزش قرآن و هدیه های آسمان
	توجه به خوشنویسی دانش آموز	آموزش خط تحریری آموزش خوشنویسی از پایه ی اول

آموزش مهارت های زندگی	مهم دانستن آموختن مهارت های زندگی توسط دانش آموز
رسیدگی به دانش آموز غائب	ارسال بخشی از مطالب تدریس شده در فضای مجازی
راهنمایی والدین در مسائل آموزشی	راهنمایی از جانب معلم در جهت چگونگی تمرین و تکرار دروس در منزل با فرزند خود ارسال پاسخنامه ی تکالیف برای اولیا
تعیین به اندازه ی تکالیف	به اندازه بودن مقدار تکالیف توجه به توانایی دانش آموز در تعیین تکلیف
بررسی به موقع تکالیف	بررسی به موقع تکالیف با صبر و حوصله بررسی کردن تکالیف
انعطاف پذیری نسبت به عملکرد دانش آموز	تکیه نکردن صرف بر نمرات دانش آموز عدم سختگیری بی از حد بر نمرات دانش آموز
ارزیابی به موقع	جلوگیری از انباشته شدن درس ها بر روی یکدیگر تقسیم کردن کتاب برای امتحان پرسش و پاسخ روزانه
حذف امتحانات نوبت اول و دوم	اعمال نمرات امتحانات سرکласی در کارنامه
عاطفی	مهربان بودن صرف وقت برای بازی و اوقات فراغت در مدرسه توجه به احساسات دانش آموز دوست بودن معلم با کودکان و ...

۴-۶- انتظارات معلمان از اولیا

در بخش انتظارات معلمان از والدین، با بررسی مصاحبه ها ما در مجموع به ۱۶۰ کد باز و ۱۹ مضمون پایه دست یافتیم. این مضامین در سه مقوله ی اخلاقی، آموزشی و عاطفی طبقه بندی شدند.

انتظارات اخلاقی

معلمان بیش از هر چیز انتظار داشتند که والدین با رعایت حد و مرزها به مشارکت با معلم بپردازند و خواسته یا ناخواسته در کار او دخالت نکنند. منظور از حد و مرزها این هست که نظرات و پیشنهادهایی که اولیا می دهند تبدیل به دخالت در کار معلم نشود. همچنین در صورتی که معلم کارش را خوب انجام دهد؛ به او و روش کارش اعتماد کنند، بیش از حد در کار او اظهار نظر نکنند و شنوا و پذیرای انتظارات معلم باشند. البته یکی از آموزگاران به این موضوع اشاره کرد که اگر معلم روش تدریس و کلاسداشی خوب نباشد والدین حق دارند که در کار او وارد شوند و نقد و نظرات خود را اعلام کنند. با این حال اگر مرز بین مشارکت و دخالت برای اولیا و معلمان روشن نشود؛ از یک طرف یا اولیا به دلیل سد محکمی که آموزگاران از ترس دخالت کردن در کارهایشان بین خود و پدر و مادر دانش آموز می گذارند، نمی توانند با معلم ارتباط بگیرند و یا از طرفی هم اگر تعادل برقرار نشود، آنقدر اولیا در کار آموزگار وارد می شوند که در نهایت سبب سوء تفاهم و مشاجره بین آن دو می شود. به عقیده ی من این وظیفه ی معلمان است که در این خصوص ابتدا یک نگرش صحیح را در خود پرورش دهند و سپس بر اساس آن، اولیا را هدایت کنند.

انتظار دیگری که بسیار پررنگ بود، در خواست بر همکاری اولیا با معلم در خصوص تربیت کودک بود. به بیانی معلمان ترجیح می دادند که این نگرش که با ورود کودک به مدرسه تمام بار تربیتی و پرروشی بر دوش آموزگار می افتد و والدین در این خصوص مسئولیتی ندارند در ذهن والدین اصلاح شود و آن ها متوجه ی مسئولیت خود بشوند. آخرین موردی که آموزگاران

بر او تاکید بسیار داشتند کردار مودبانه، محترمانه و فروتنانه والدین نسبت به آن ها بود. انتظارات معلمان از والدین منطقی بود و طبق گفته ی آن ها برخی از اولیا به این موارد توجهی نداشتند. لازم به ذکر است که یک نفر از معلمان عنوان کردند که به هیچ عنوان مشارکت اولیا را نمی خواهند. این عقیده نادرست است و احتمالاً به این دلیل در ذهن این معلم شکل گرفته که تجربه های خوشایندی در این خصوص نداشتند. با وجود این ایشان باید سعی کنند که ذهن خود را باز نگه دارند و تجربه های تلخشان را به همه تعمیم ندهند.

انتظارات آموزشی

همکاری با معلم در امور آموزشی، داشتن نگرشی واقع بینانه نسبت به نمره ی کودک و پشتیبانی از استعدادهای او به ترتیب از مهم ترین انتظاراتی بود که اولیا بر روی آن ها تاکید داشتند. در توضیح مورد اول باید گفت که آموزگاران درخواست داشتند که والدین نسبت به مسئولیت خود در خصوص آموزش فرزندشان آگاه باشند و بدانند که همه ی بار آموزشی بر روی دوش معلم نیست؛ بلکه معلم در مدرسه درس می دهد و دانش آموز موظف است که در منزل برای تثبیت یادگیری اش مرور و تمرین و تکرار کند. حال بسته به سن و سال کودک میزان حضور و همراهی اولیا در منزل هم متفاوت خواهد بود. معلمان بیان کردند که برخی والدین تصور می کنند که کودک همه چیز را باید از معلم و در مدرسه یاد بگیرد و به همین خاطر در منزل به او رسیدگی نمی کنند. این در حالیست که پدرها و مادرها باید بر روی درس خواندن، تکلیف نوشتن و کارهای مدرسه ی فرزند خود، چه در زمان امتحان ها و چه غیر از آن، نظارت داشته باشند و روزی حداکثر ۱ یا ۲ ساعت برایش وقت بگذارند؛ زیرا اگر معلم ۱۰ مرتبه هم موضوعی را سرکلاس تدریس کند ولی دانش آموز آن را در منزل تمرین نکند، یادگیری او کامل صورت نمی گیرد.

در توضیح مورد دوم و سوم که به یکدیگر مرتبط هستند معلمان برای اولیا این پیشنهاد را داشتند که نسبت به علایق و استعدادهای کودکشان ذهنی آگاه و پذیرا داشته باشند و بدانند که همه چیز در ریاضی و فارسی خلاصه نمی شود؛ بلکه دانش آموز ممکن است در ورزش، هنر، موسیقی و... استعداد داشته باشد. زمانی که والدین این موضوع را بپذیرند آنگاه نسبت به نمرات فرزندشان هم تفکری واقع گرایانه خواهند داشت و دیگر او را برای دریافت بالاترین نمره در همه ی درس ها تحت فشار قرار نمی دهند. انتظارات معلمان در این بخش معقول بود و با توجه به صحبت های آن ها برخی از اولیا مطابق انتظار آن ها بودند و برخی دیگر خیر.

انتظارات عاطفی

انتظارات عاطفی آموزگاران از والدین در دو مورد و با ارزش و اهمیتی یکسان مطرح می گردد. یک این که اولیا با فرزند خود یک ارتباط عاطفی سالم و سازنده برقرار کنند که سبب رشد شخصیت کودک شود و دو اینکه محیط خانه را به دور از تنش و نگرانی نگه دارند تا کودک در یک محیط امن و آرام و با خیال آسوده پرورش یابد. هر دوی این انتظارات صحیح هستند و گویا برآورده شدن آن توسط اولیا نسبی است.

جدول ۶. انتظارات معلمان از والدین

مضمون فراگیر	مضمون پایه	نمونه هایی از کدهای باز
انتظارات معلمان از والدین اخلاقی	همکاری با معلم در تربیت کودک	تربیت فرزندی با اخلاق و قانون مند پیگیری اصولی و به موقع امورات مدرسه ای فرزند خود
	مشارکت چهارچوب مدارانه ی والدین	حضور، مشارکت و اظهار نظر سازنده ی والدین در زمان هایی که معلم نظرخواهی یا جلسه ای برگزار می کند در صورت اطمینان از شایستگی معلم؛ انتظار اعتماد و عدم دخالت در کارها و تصمیمات او
	کردار محترمانه	داشتن گفتار و کردار معقولانه، محترمانه و مودبانه رفتاری به دور از غرور فروتن بودن
	قدرشناسی	قدردان معلم بودن و مقصردانستن او در برابر تنبلی یا کم کاری فرزند خود

	درک و پذیرش انتظارات	درک، پذیرش و داشتن گوش شنوا در برابر انتظارات و پاسخ های معقولانه ی آموزگار به والدین
	عدم مقایسه ی روش کار معلم با سایر همکاران	مقایسه نکردن روش کار معلم با آموزگار سال گذشته ی فرزند خود
	توجه اولیا به نظرات کودکان	توجه اولیا به خواسته ها و نظرات بچه ها و ایجاد فرصتی برای ابراز نظر کردن و مشورت گرفتن از آن ها
	بخشش خطاهای معلم	بخشیدن رفتار نادرست معلم در برخورد با دانش آموز
	رعایت ساعات فراغت آموزگار	تماس گرفتن با معلم در زمان مناسب
	احترام به حقوق تمام دانش آموزان	داشتن نگرشی همدلانه و معقولانه نسبت به تمامی دانش آموزان مبنی بر برابری آن ها در مواجهه با فرصت ها و محدودیت های کلاس درس
	کاهش حساسیت های افراطی نسبت به کودک	داشتن رفتاری معقولانه از والدین در برابر مسائل جزئی که برای دانش آموز در مدرسه پیش می آید
	عدم پرخاشگری در برابر خطاهای کودک	کنک نزدن کودک
	پذیرش کاستی های خود و کودک	رفتاری صادقانه در برابر کاستی های خود و فرزندشان و درخواست راهنمایی از معلم در جهت رفع آن
	ارائه ی اطلاعات ضروری کودک به معلم	درمیان گذاشتن اطلاعات لازم و ضروری در خصوص ویژگی های شخصیتی فرزند خود و نوع زندگی او در جهت شناخت و آگاهی معلم برای درک و پشتیبانی از کودک
آموزشی	رسیدگی به تحصیلات کودک	تمرین و تکرار دروس با کودک نظارت بر تکالیف پیگیری دروس در هنگام غیبت کودک
	تفکر واقع گراییانه نسبت به کودک	درک تفاوت های فردی شناخت نقاط قوت و ضعف کودک شناخت استعدادها و علایق کودک و دنبال کردن آن
	انتظارات معقولانه از آموزگار	نداشتن این انتظار که معلم پیگیر صفر تا صد آموزش دانش آموز باشد درک محدودیت زمانی معلم در بررسی تکالیف و عدم امکان بررسی تکالیف به صورت روزانه
عاطفی	برقراری ارتباطی سازنده با کودک	برقراری ارتباطی سازنده؛ مبنی بر اعتماد و احترام به شخصیت و توانمندی های کودک
	برقراری محیطی امن در منزل	تلاش در جهت کاهش و حل تعارضات بین اعضای خانواده و ایجاد محیطی امن و به دور از تنش در منزل

۵- نتیجه‌گیری

تحلیل مقایسه‌ای انتظارات اخلاقی، آموزشی و عاطفی معلمان، والدین و دانش‌آموزان نشان داد که این انتظارات نه تنها بیانگر نقاط اشتراک و افتراق میان گروه‌هاست، بلکه بازتاب‌دهنده‌ی ناهم‌ترازی‌های ساختاری در ادراک متقابل آنان نیز هست. هر گروه متناسب با موقعیت اجتماعی و جایگاه نسلی خود، انتظاراتی را صورت‌بندی کرده است، اگرچه در تلاقی این دیدگاه‌ها، اشتراک کاملاً منطبق و واقعی بسیار محدود بود: از مجموع ۹۰ انتظار مطرح شده در سه حوزه (۳۹ انتظار اخلاقی، ۳۵ انتظار آموزشی و ۱۶ انتظار عاطفی)، ۷ مضمون/انتظار نسبتاً مشترک و منطبق با هم شناسایی شدند. در حوزه اخلاقی: رفتار محترمانه، حمایت متقابل، درک متقابل خواسته‌ها. در حوزه عاطفی: درک و احترام به احساسات. البته در حوزه آموزشی انتظارات کاملاً منطبقی وجود نداشت، اما هر سه گروه در سه حیطه کیفیت آموزش، نوع و حساسیت بر روی تکالیف، و نوع و حساسیت در خصوص ارزشیابی دغدغه‌های جدی داشتند.

این محدودیت در اشتراک، بر وجود شکافی بنیادین دلالت دارد: نبود آگاهی بیناذهنی کافی میان کنشگران اصلی آموزش درباره‌ی دغدغه‌ها و اولویت‌های یکدیگر. این کمبود انتظارات مشترک، نوعی فاصله‌ی ارتباطی را آشکار می‌سازد؛ فاصله‌ای که در آن معلمان، والدین و دانش‌آموزان، با وجود ایفای نقش هم‌زمان در فرایند آموزشی، تنها بخشی از منظر یکدیگر را درک می‌کنند. از منظر جامعه‌شناختی، این پدیده می‌تواند به ضعف در تمرین‌های دیالوگی در بافت‌های آموزشی تعبیر شود، یعنی ارتباطات به‌جای آنکه یکپارچه و تعاملی باشد، تکه‌تکه و گسسته باقی می‌ماند و مانع شکل‌گیری فهم مشترک می‌شود. از منظر اخلاق مراقبتی نیز این نابرابری حاکی از کم‌توجهی متقابل به نیازها و آسیب‌پذیری‌های «دیگری» است. علاوه بر این، کیفیت بازنمایی انتظارات نیز واجد اهمیت است: معلمان و والدین بیشتر بر انتظارات هنجاری همچون انضباط، مسئولیت‌پذیری و موفقیت تحصیلی تأکید داشتند، در حالی که دانش‌آموزان بر حمایت عاطفی، مهربانی و درک متقابل تأکید کردند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که صدا یا انتظارات دانش‌آموزان/کودکان در این چرخه ارتباطی سه سویه، از سوی اولیا و معلمان کمتر درک و شناخته شده است. این شکاف نشانگر تنشی گسترده‌تر در آموزش معاصر میان ابعاد ابزاری و عاطفی یادگیری است؛ تنشی که در صورت بی‌توجهی، می‌تواند اعتماد متقابل را - که پیش‌شرط یادگیری مؤثر است - تضعیف کند.

این وضعیت بدان معنا نیست که انتظارات سه گروه از یکدیگر نمی‌توانند به هم نزدیک شوند. با وجود محدودیت انطباق، اما نگاهی دقیق‌تر و تحلیلی به انتظارات نشان می‌دهد که دستیابی به نقاط مشترک بیشتر ممکن است. در واقع حیطه انتظارات مشترک هستند ولی نوع آنها با هم یا به عبارتی جزئیات انتظارات با هم تفاوت دارند. ایجاد فضاهای دیالوگی میان معلمان، والدین و دانش‌آموزان، برای بیان و مذاکره‌ی انتظارات به‌صورت آگاهانه و بازاندیشانه حیاتی و ضروری است. چنین گفت‌وگوهایی می‌تواند زمینه‌ی شناسایی متقابل، کاهش ناهماهنگی و ارتقای کیفیت روابط آموزشی را فراهم آورد. درواقع، محدود بودن انتظارات مشترک، پرسش‌های انتقادی مهمی درباره‌ی پیش‌فرض‌های پنهان در روابط خانه - مدرسه - دانش‌آموز برمی‌انگیزد و بازاندیشی در باب مشارکت والدین و مناسبات معلم - دانش‌آموز را در قالبی مشارکتی‌تر و برابرتر می‌طلبد.

اگرچه پژوهش حاضر در مقایسه با تحقیقات پیشین به شکل فراگیرتری به بررسی انتظارات متقابل میان ذی‌نفعان در روابط مدرسه (سه گروه) پرداخته است، اما در مجموع، نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های حیدریه زاده و همکاران (۱۴۰۳)، رفیق حسنی و ژینو حسنی (۱۳۹۹)، دهقان و همکاران (۱۳۹۸)، اسدی و بلندهمتان (۱۳۹۷)، صفایی مقدم و همکاران (۱۳۹۵)، مظاهری و همکاران (۱۳۹۵)، ادیب و همکاران (۱۳۹۴)، مادوکس و همکاران (۲۰۲۰) و موری و همکاران (۲۰۱۹) که هر کدام به نحوی به اهمیت رابطه‌ی متقابل بین معلمان والدین دست یافته بودند و کیفیت این ارتباط را ضامن اثربخشی و کارایی نظام تعلیم و تربیت می‌دانستند، همسو و هماهنگ است. به علاوه با توجه به بخشی از گفته‌ها و انتظارات والدین و دانش‌آموزان از معلمان، مبنی بر شایستگی‌های آن‌ها در تدریس، مدیریت و نوع برخوردشان با شاگردان خود، یافته‌های ما با بخشی از یافته‌های رضایی (۱۳۹۸)، عسکری متین و همکاران (۱۳۹۶)، زی و درخشان (۲۰۲۱)، جانسون و همکاران (۲۰۱۹) و فرویلند و همکاران (۲۰۱۹) همسویی دارد. همچنین پژوهش‌های والکوا و لاورنتسوا (۲۰۱۹) و گان و بیلچ (۲۰۱۹) که از اهمیت همکاری و حمایت والدین از فرزندان خود در تحصیلاتشان سخن می‌گویند هم با بخشی از یافته‌های این پژوهش همخوانی دارد. پژوهش اکارت و پیرس (۲۰۲۳) به اهمیت مطالعه‌ی هر سه گروه معلمان و والدین و دانش‌آموزان اشاره دارد و یافته‌های ما نیز نشان می‌دهد مطالعه سه طرفه این تعاملات یافته‌های معنادارتری را برای فهم روابط میان مشارکت‌کنندگان در تعلیم و تربیت اوان کودکی در اختیار می‌گذارد.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان دو سطح مداخله را برای ارتقای کیفیت روابط میان معلمان، والدین و دانش‌آموزان پیشنهاد کرد: نخست، تقویت گفت‌وگوهای دوجانبه میان معلمان و والدین از طریق برگزاری مستمر و هدفمند جلسات اولیا و مربیان. این جلسات، چنانچه به‌جای قالب‌های یک‌سویه‌ی انتقال اطلاعات، به بستری برای گفت‌وگو و شنیدن متقابل تبدیل شوند، می‌توانند کارکردی دوگانه ایفا کنند: از یک‌سو معلمان انتظارات خود را به‌طور شفاف و سازنده بیان کنند و از سوی دیگر، به نگرانی‌ها و خواسته‌های والدین گوش فرا دهند و به آن‌ها پاسخگو باشند. چنین رویکردی نه تنها سوء تفاهم‌ها و تنش‌ها را کاهش می‌دهد، بلکه زمینه‌ی شکل‌گیری نوعی اعتماد و احترام متقابل را نیز فراهم می‌آورد که شرط لازم برای همکاری آموزشی است. در سطحی گسترده‌تر، می‌توان به سمت گفت‌وگوهای سه‌جانبه میان معلمان، والدین و دانش‌آموزان حرکت کرد. برگزاری

نشست‌هایی با حضور هم‌زمان این سه گروه - با هماهنگی معلمان و مدیریت مدرسه - فرصتی فراهم می‌کند تا هر صدا در فضای آموزشی شنیده شود و امکان مشارکت برابر در طرح انتظارات، بیان دغدغه‌ها و بازاندیشی در روابط ایجاد گردد. این شکل از تعامل نه تنها از منظر تربیتی ارزشمند است، بلکه از نظر جامعه‌شناختی نیز می‌تواند به بازتولید سرمایه‌ی اجتماعی و افزایش حس تعلق در میان دانش‌آموزان منجر شود. در چنین بستری، آموزش از حالت یک‌سویه و سلسله‌مراتبی فاصله می‌گیرد و به یک فرایند مشارکتی و گفت‌وگومحور تبدیل می‌شود. به‌طور کلی، این پیشنهادها بر ضرورت گذار از ارتباطات ابزاری و تک‌سویه به سمت دیالوگ‌های چندصدایی و مشارکتی تأکید دارند. تحقق آن‌ها می‌تواند زمینه‌ساز بازسازی رابطه‌ی خانه، مدرسه و دانش‌آموزان در قالبی همدلانه‌تر و برابرتر باشد؛ رابطه‌ای که در نهایت، به ارتقای کیفیت یادگیری و تقویت بُعد انسانی آموزش یاری می‌رساند.

منابع

- ادیب، یوسف، فتحی آذر، اسکندر، عینی پور، جواد. (۱۳۹۴). ادراک معلمان از ویژگی‌های تدریس مؤثر؛ یک بررسی پدیدارشناختی. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۱۲(۴۴)، ۱۱۰-۱۲۲.
- اسدی، سمیه، بلندهمتان، کیوان. (۱۳۹۷). اصول اخلاق آموزگاری: بازاندیشی پیش‌روایت‌های زیست اخلاقی فراتر از دبستان. *تدریس پژوهی* ۶(۴)، ۴-۴۵.
- البرزی، محبوبه، خوشبخت، فریا و دمیری، نسرين. (۱۴۰۲). شناسایی عوامل مدرسه‌ای مؤثر بر تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان: مطالعه کیفی. *آموزش پژوهی*، ۹(۳۵)، ۱-۱۶.
- البرزی، محبوبه، خوشبخت، فریا و زکی زاده، مریم. (۱۴۰۰). بررسی نقش نگرش‌های والدین و معلمان به مدرسه در احساس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه: نقش واسطه‌ای انگیزش تحصیلی. *مجله مطالعات آموزش و یادگیری*، ۱۳(۲)، ۲۴۱-۲۶۱.
- آقازاده، محرم (۱۳۹۸). *راهنمای روش‌های نوین تدریس (بر پایه پژوهش‌های مغزمحور، ساخت‌گرایی، یادگیری از طریق همیاری، فراشناخت و...)*، تهران: آبیژ
- بیدی، فاطمه، رنجبر زاده، اکبر (۱۳۹۳). *اصول تعلیم و تربیت کودک (از منظر مکتب اسلام و علم روانشناسی)*، تهران: آوای نور
- تمپلر، ریچارد (۱۳۸۸). *صله قانون والدین*، ترجمه آذر جولائی. تهران: البرز
- حسنی، رفیق، حسنی، ژینو. (۱۴۰۱). تدوین و آزمون مدل ظرفیت مدارس برای مشارکت والدین. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۶(۲)، ۲۴۸-۲۲۵.
- حیدریه زاده، بهاره السادات، شکری، امید، فتح آبادی، جلیل، شهیدی، شهریار و اکبری زردخانه، سعید. (۱۴۰۳). تجربه زیسته معلمان از عوامل مؤثر بر شایستگی‌های هیجانی و اجتماعی آنها: یک مطالعه پدیدارشناختی. *مجله مطالعات آموزش و یادگیری*، ۱۶(۲)، ۱۴۶-۱۱۷.
- دهقان حسین، مروت برزو، غفاری زهرا. (۱۳۹۸). تشابه و تضاد ارزش‌ها و هنجارهای نهاد خانواده و مدرسه و تأثیر آن بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان. *فصلنامه علمی - پژوهشی خانواده و پژوهش*، ۶(۴): ۶۴-۴۱
- رایت، کریم ا. اچ، ماناتو کو، چانگو، پاشیچ، مایدا (۱۳۹۳). مترجمان: پروانه شعبانی، بهاره اسلامی. *مدرسه‌های دوستدار کودک*، تهران: انتشارات کارگاه کودک
- رضایی منیره. (۱۳۹۸). شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان: گذشته، حال، آینده. *فصلنامه علمی - پژوهشی تعلیم و تربیت*، ۳۵(۲): ۱۵۰-۱۲۹
- رضایی، موسی (۱۳۸۷). *خانواده و نگرشی نوبه تعلیم و تربیت: از دبستان تا دانشگاه*، تهران: نشر دانش پرور
- شمشیری، بابک، شاهسینی، شهرزاد (۱۴۰۱). مباحثی در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، شیراز: آوند اندیشه
- صفایی مقدم، مسعود، رحمانی، بهالدین، پاک‌سرشت، محمدجعفر، مرعشی، سیدمنصور. (۱۳۹۵). مبانی و اصول اخلاق اسلامی: ارتباط معلم با دانش‌آموزان. *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۶(۱)، ۲۳-۴۵.
- عسکری متین سجاده، کیانی غلامرضا. (۱۳۹۷). الگوی معیار صلاحیت حرفه‌ای معلمی در تراز جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه علمی - پژوهشی تعلیم و تربیت*، ۳۴(۲): ۳۰-۹
- مظاهری حسن، موسی پور نعمت‌الله، ناطقی فائزه. (۱۳۹۶). نقش خانواده در برنامه درسی شایستگی - محور دوره ابتدایی از منظر اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش. *فصلنامه علمی - پژوهشی خانواده و پژوهش*، ۴(۱): ۳۲-۷
- Ekart, Ž. G., & Perše, T. V. (۲۰۲۳). Active Involvement in Home-School Collaboration and its Impact on Student Motivation-the Slovenian Experience. *TEM Journal*, ۱۲(۱).
- Froiland, J. M., Worrell, F. C., & Oh, H. (۲۰۱۹). Teacher-student relationships, psychological need satisfaction, and happiness among diverse students. *Psychology in the School*, ۵۶(۵), ۸۵۶-۸۷۰.

Gan, Y., & Bilige, S. (۲۰۱۹). Parental involvement in home-based education and children's academic achievement in China. *Social Behavior and Personality: an international journal*, ۴۷(۱۲), ۱-۱۵.

Johnston, O., Wildy, H., & Shand, J. (۲۰۱۹). A decade of teacher expectations research ۲۰۰۸-۲۰۱۸: Historical foundations, new developments, and future pathways. *Australian Journal of Education*, ۶۳(۱), ۴۴-۷۳.

Maykut, P. S., Morehouse, R. E. (۱۹۹۴). *Beginning Qualitative Research: A Philosophic and Practical Guide*. Washington, D.C: Falmer Press.

Murray, B., Domina, T., Renzulli, L., & Boylan, R. (۲۰۱۹). Civil society goes to school: Parent-teacher associations and the equality of educational opportunity. RSF: The Russell Sage Foundation Journal of the Social Sciences, ۵(۳), ۴۱-۶۳. Posey-Maddox, L., & Haley-Lock, A. (۲۰۲۰). One size does not fit all: Understanding parent engagement in the contexts of work, family, and public schooling. *Urban Education*, ۵۵(۵), ۶۷۱-۶۹۸.

Valkov, P., & Lavrentsova, E. (۲۰۱۹). The effects of student-teacher and student-student relationship on school engagement: *An empirical research in Bulgaria*. *Pedagogy*, ۹۱(۳), ۳۲۰-۳۳۱.

Xie, F. & Derakhshan, A. (۲۰۲۱). A conceptual review of positive teacher interpersonal communication behaviors in the instructional context. *Frontiers in Psychology*, ۱۲, ۷۰۸۴۹۰.